



ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 227

Date of filing: 27, 1, 1992

** AWARD - Type of Award _____
- Date of Award _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

DISSENTING OPINION of Mr Ansari
- Date 8 July 1991
_____ pages in English 12 pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

دیوان داورى دعاوى ایران - ایالات متحده

DISSENTING OPINION OF JUDGE ANSARI

Case No. 227

Chamber Three

به نام خدا

DUPLICATE
ORIGINAL

نسخه برابر اصل

پرونده شماره ۲۲۷

شعبه سه

حکم شماره ۵۱۴-۲۲۷-۳

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دیوان داورى دعاوى ایران - ایالات متحده
FILED	ثبت شد
DATE 27 JAN 1992	
۱۳۴۰ / ۱۱ / ۷	تاریخ

English version

Filed on 8 JUL 1991

نسخه انگلیسی در تاریخ ۱۳۴۰ / ۱۱ / ۱۷

ثبت شده است.

ایستمن کداک کامپنی ،

خواهان ،

- و -

دولت ایران ،

خوانده.

نظر مخالف قاضی پرویز انصاری

۱ - دلایل و نتیجه‌گیریهای حکم عمدتا مبتنی است بر پاره‌ای مفروضات که نه تنها نادرست است، بلکه با یافته‌های حکم جزئی شماره ۳-۱۲۳۸۴/۲۲۷-۲۲۹ صادره در این پرونده (حکم جزئی) منافات دارد. ابتدا برخی از یافته‌های حکم جزئی را که به این بحث مربوط می‌شود، بررسی می‌کنم.

۲ - جریان رسیدگی پرونده حاضر در دو مرحله صورت گرفت. خواهان بدواً دو ادعای عمده اقامه کرد. در ادعای اول، ایستمن کداک و سایر خواهانها به عنوان طلبکاران رنگیران اقامه دعوا کردند (ادعای طلبکاران). دومین ادعای عمده را ایستمن کداک به عنوان صاحب اکثریت سهام رنگیران علیه ایران اقامه کرد (ادعای سهامداران). در ادعای سهامداران "ایستمن کداک، به عنوان صاحب اکثریت سهام رنگیران ادعا می‌نماید که اقدامات ایران در مورد رنگیران در حکم صادره سهام وی در رنگیران بوده و به این دلیل ایران مسوول پرداخت غرامت به ایستمن کداک بابت ارزش آن سهام است". (بند ۵۷ حکم جزئی). موضوع ادعای طلبکاران دیون بازرگانی بود که رنگیران حسب ادعا به خواهانها بدهکار بوده و از جمله پیش‌پرداختهایی به مبلغ ۳،۳۶۸،۲۴۳/- دلار را شامل می‌شده که مستند به سه فقره سفته است و ایستمن کداک حسب ادعا به رنگیران اعطا کرده است. در حکم جزئی، ادعاهای طلبکاران، از جمله ادعای ایستمن کداک بابت اعتبارات اعطایی به رنگیران، به دلیل فقد صلاحیت رد شد. دیوان نظر داد که رنگیران واحد تحت کنترل ایران، آنچنانکه در بیانیه حل و فصل دعاوی مقرر گردیده، نبوده است.

۳ - در مورد ادعای سهامداران، دیوان نظر داد که مداخله ایران در حد سلب مالکیت یا سلب حقوق مالکانه نبوده است، اما مقداری مداخله در حقوق مالکانه ایستمن کداک به عنوان صاحب اکثریت سهام رنگیران صورت گرفته است و دیوان اتخاذ تصمیم راجع به این موضوع را به هنگامی موکول کرد که به طرفین فرصت بحث و استدلال راجع به آن داده شده باشد. در بند ۷۴ (د) حکم جزئی، موضوع باقیمانده‌ای که باید مورد رسیدگی واقع می‌شد، تشریح و ضابطه احراز صلاحیت توسط دیوان به شرح زیر

توصیف گردیده است:

تعیین تکلیف نهایی پرونده شماره ۲۲۷ به هنگامی موکول می‌شود که به طرفین فرصت داده شده باشد که ادله و مدارک مورد استناد خود در تأیید اظهاراتشان را راجع به این موضوع که آیا مداخله در حقوق مالکانه خواهان، که در اینجا قابل انتساب به خوانده، ایران تشخیص داده شده، موجب ورود زیان به ایستمن کداک کامپنی، به عنوان صاحب اکثریت سهام شرکت سهامی خدمات فتوگرافی رنگیران (سهامی خاص) گردیده یا خیر و احیاناً چه مقدار غرامت به وی قابل پرداخت می‌باشد، تسلیم نمایند. از اینرو، دیوان صلاحیت خود را نسبت به ادعایی که ایستمن کداک کامپنی در پرونده شماره ۲۲۷ به عنوان صاحب اکثریت سهام شرکت سهامی خدمات فتوگرافی رنگیران (سهامی خاص) علیه دولت ایران مطرح کرده، محفوظ نگاه می‌دارد.

۴ - بنابراین روشن است که پس از صدور حکم جزئی، تنها ادعای باقیمانده در دیوان، ادعا بابت خسارات احتمالی است که در نتیجه مداخله ایران، به ایستمن کداک به عنوان سهامدار رنگیران وارد شده است. لکن این امر نباید با خسارتی که ایستمن کداک در نتیجه عدم وصول اعتبارات اعطایی به رنگیران احتمالاً متحمل گردیده، اشتباه شود. حکم این واقعیت را نادیده انگاشته و مساعله آثار مداخله ایران را در حقوق مالکانه ایستمن کداک به عنوان سهامدار رنگیران (ادعای سهامداران)، با آثار همان مداخله در عدم وصول اعتبارات اعطایی ایستمن کداک به رنگیران (ادعای طلبکاران)، اشتباه گرفته است.

۵ - این خلط مبحث بین حقوق سهامدار و حقوق طلبکار را می‌توان در بندهایی از حکم به شرح زیر ملاحظه نمود:

با انحلال زودرس رنگیران، ایستمن کداک حتی امکان کسب درآمد آتی را برای پرداخت دیون بین شرکتها از دست داد. (بند ۴۱)

مداخله ایران در آن لحظه از زمان، دیون بالقوه را تبدیل به دیون حال کرد و موجب گردید که خواهان هرگونه امکانی

را که برای بازپرداخت آن مبالغ داشت، از دست بدهد. دیوان معتقد است که بین مداخله ایران، و از دست رفتن هرگونه امکان وصول آن مبلغ توسط ایستمن کدک، رابطه سببیت ناگسسته‌ای وجود داشته است (بند ۴۲)

اقدام دیوان در تعیین میزان آن خسارت، مربوط به ارزش رنگیران نشده، بلکه به زیان متحمله توسط ایستمن کدک در اثر از دست رفتن امکان وصول وجوهی که به نظر دیوان توسط ایستمن کدک به عنوان سهامدار اکثریت به رنگیران پیش‌پرداخت شده، مربوط می‌گردد. (بند ۵۶)

از آنجا که حکم دیوان بر ارزش رنگیران مبتنی نبوده، بلکه بر زیان متحمله توسط ایستمن کدک در اثر حال شدن دیون بالقوه آن و از بین رفتن امکان وصول مبلغ پیش‌پرداخت استوار است. (بند ۵۹)

۶ - اکثریت این واقعیت را نادیده می‌گیرد که اعتبارات اعطایی ایستمن کدک به رنگیران، حقوق آن شرکت به عنوان سهامدار رنگیران محسوب نمی‌شود. دیون بازرگانی رنگیران به ایستمن کدک حقوقی است که شرکت اخیر به عنوان طلبکار دارد. رسیدگی به آثار مداخله ایران در عدم پرداخت دیون رنگیران به طلبکار خود (ایستمن کدک)، در واقع رسیدگی به ادعای طلبکاران است. این واقعیت که ایستمن کدک در آن واحد هم طلبکار و هم سهامدار رنگیران بوده، مؤثر در مقام نیست و به آن شرکت حق نمی‌دهد که تحت عنوان ادعای سهامدار، طلبی را وصول کند که در واقع ادعای یک طلبکار است. اکثریت با نادیده گرفتن این واقعیت، آشکارا برخلاف یافته‌های حکم جزیی، ادعای ایستمن کدک را به عنوان یک طلبکار که در واقع تحت عنوان دیگری مطرح ساخته، رسیدگی می‌کند. اشاره مداوم حکم به از دست رفتن امکان وصول پیش‌پرداختها حاکی از این امر است. کاملاً روشن است که در چهارچوب از دست رفتن امکان وصول پیش‌پرداختها، ایستمن کدک تنها به عنوان طلبکار می‌تواند حق طرح دعوا داشته باشد. زیان ادعایی متحمله توسط ایستمن کدک در نتیجه مداخله ایران، یعنی از دست رفتن امکان وصول پیش‌پرداختها، زبانی است که متوجه طلبکار شده است. ایستمن کدک تنها به عنوان طلبکار می‌تواند ادعایی بابت عدم دریافت پیش‌پرداختهای اعطایی خود به رنگیران

داشته باشد. همان سفته‌هایی که در حکم به غلط به عنوان قسمتی از دارایی ایستمن کداک و یا به عنوان حق مالکانه ایستمن کداک به عنوان صاحب اکثریت سهام رنگیران توصیف شده، در واقع موضوع ادعای ایستمن کداک به عنوان طلبکار در مرحله اول جریان رسیدگی حاضر بود. خود ایستمن کداک وجه سفته‌ها را به عنوان ادعای طلبکار عنوان کرده و آن را از ادعای خود به عنوان سهامدار متمایز ساخته است. دیوان با صدور حکم جزئی ادعای طلبکاران را رد کرد. بنابراین، رسیدگی مجدد به ادعای طلبکاران تحت عنوانی دیگر، هم با حکم جزئی و با موضع ایستمن کداک و همچنین با قواعد مسلم حقوقی منافات دارد.

انحلال رنگیران

۷ - نتیجه‌گیری حکم راجع به مسوولیت ایران، بر این فرض مبتنی است که تصمیم به انحلال رنگیران صرفاً و مستقیماً در اثر مداخله اتخاذ گردیده و انحلال منجر به اضرار رنگیران و نهایتاً ایستمن کداک شده است. هیچیک از این فروض صحیح نیست. این فرض که رنگیران مجبور به انحلال شد درست نیست، زیرا اولاً با یافته‌های حکم جزئی مغایر است و ثانیاً، واقعیات و دلایل و مدارک پرونده موید آن نیست.

بندهای ۴۵ و ۴۶ حکم جزئی ذیلاً نقل می‌شود:

۴۵ - در تاریخ دهم مارس ۱۹۸۰ [۲۰ اسفندماه ۱۳۵۸] سهامداران رنگیران تصمیم گرفتند که رای به انحلال رنگیران بدهند. خواهانها، از طریق اظهاران آقای گیلگز، وکیل موظف ایستمن کداک، در مورد این تصمیم توضیح داده و گفته‌اند که سهامداران بر سر دو راه‌ای قرار گرفته بودند:

(یک) رها کردن کامل رنگیران، یا (دو) دادن راعی به انحلال شرکت به منظور جلوگیری از افزایش بدهیها و تعهدات رنگیران که در غیراینصورت همچنان افزایش پیدا

می‌کرد، اقدام در مورد خاتمه خدمت کارکنان به نحو شایسته و پرداخت مطالبات آنان بابت حقوق و [فوق‌العاده] پایان خدمت و - مهمتر از همه - بدانوسیله تقلیل خطر تهدیدات جانی نسبت به گروه مدیران محلی شرکت.

۴۶ - دیوان داوری بر این نظر است که خواهانها نتوانسته‌اند این ادعای تلویحی آقای گیلگز را که تصمیم به انحلال رنگیران به اجبار اتخاذ شده، ثابت نمایند.

۸ - شایان توجه است که مطابق حکم جزئی، تصمیم به انحلال رنگیران نه تنها به آن شرکت تحمیل نشده، بلکه کاملاً "بعکس"، به عنوان نمودار مهمی از آزادی ایستمن کداک در تصمیم‌گیری و نیز عامل مهمی در این نتیجه‌گیری که رنگیران واحد تحت کنترل ایران نبوده، توصیف شده است. (بندهای ۴۷، ۴۸ و ۵۸). علاوه بر این، در جمله آخر بند ۵۴ حکم جزئی، ضمن تشریح تصمیم سهامداران رنگیران به انحلال شرکت، چنین نتیجه‌گیری شده است:

در هر حال، قطع نظر از دلایلی که باعث شده خواهانها [سهامداران رنگیران] تصمیم به چنین اقدامی بگیرند، نامبردگان باید آثار و نتایج ناشی از آن را بپذیرند.

۹ - بنابراین، هر استدلالی برای مسوول قلمدادکردن ایران در مورد انحلال رنگیران و پی‌آمدهای آن، خلاف یافته‌های حکم جزئی است.

۱۰ - از نظر موضوعی، بحثی نیست که رنگیران به موجب تصمیم سهامداران شرکت منحل شد. صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده سهامداران رنگیران به تاریخ ۲۰ اسفندماه ۱۳۵۸ [دهم مارس ۱۹۸۰] نشان می‌دهد که تصمیم، آزادانه و به اتفاق آراء گرفته شده است. هیچیک از مندرجات صورتجلسه و یا هر مدرک دیگری نزد دیوان حاکی از آن نیست که تصمیم به انحلال رنگیران در اثر مداخله ایران و یا اعمال نفوذ آن دولت اتخاذ شده است. خود ایستمن کداک در جریان انحلال شرکت کرد و با ارسال نامه مورخ ۲۲ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ [۱۲ مه ۱۹۸۰] به هیأت تصفیه رنگیران، بازپرداخت اعتباراتی را که به رنگیران اعطا کرده بود، خواستار شد.

۱۱ - مجمع عمومی فوق‌العاده سهامداران رنگیران در تاریخ نهم شهریورماه ۱۳۶۰ [۳۱] اوت ۱۹۸۱] با حضور کلیه سهامداران و اعضای هیأت تصفیه رنگیران تشکیل شد. صورتجلسه مربوط نشان می‌دهد که سهامداران رنگیران به اتفاق آراء تصمیم گرفتند رنگیران را ورشکسته اعلام نمایند. در صفحه ۲ صورتجلسه مزبور قید شده است:

"بعد از شور، به اتفاق آراء تصمیم گرفته شد که شرکت ورشکسته اعلام و مراتب به مقامات ذیصلاح اطلاع داده شود."

۱۲ - هیچیک از مندرجات صورتجلسه مزبور نشان نمی‌دهد که تصمیم قبلی سهامداران به انحلال رنگیران و یا تصمیم فعلی مبنی بر ورشکسته اعلام کردن آن، نتیجه مداخله ایران یا اعمال نفوذ از ناحیه آن دولت بوده است. درواقع، حتی یک نمونه مدرک نیست که نشان دهد ایستمن کداک از تاریخ مداخله تا تاریخ جلسه فوق‌الذکر (یعنی نهم شهریورماه ۳۱/۱۳۶۰ اوت ۱۹۸۱) و یا هر زمان دیگری قبل از آغاز جریان رسیدگی حاضر نزد دیوان، شکایتی راجع به مداخله در امور رنگیران طرح کرده و یا اظهار داشته باشد که در نتیجه این مداخله مجبور به انحلال رنگیران شده است. به موجب درخواست صدور حکم ورشکستگی مورخ ۲۳ آبانماه ۱۳۶۰ [۱۴ نوامبر ۱۹۸۱] ایستمن کداک، دادگاه عمومی تهران رنگیران را از تاریخ نهم آبانماه ۱۳۵۶ [۳۱] اکتبر ۱۹۷۷] ورشکسته اعلام کرد. از آنجا که ایستمن کداک علیه حکم دادگاه پژوهش نخواست است، منطقی‌ترین نتیجه‌گیری اینست که به حکم دادگاه و یافته‌های آن، از جمله تاریخ ورشکستگی رضایت داده است. تحت چنین اوضاع و احوالی، قابل قبول نیست که ایستمن کداک با این ادعا که مجبور به انحلال رنگیران و یا ورشکسته اعلام کردن آن شده، از موضع و رفتار قبلی خود عدول کند.

احتمال بازپرداخت پیش‌پرداختها

۱۳ - صرفنظر از اشتباهات اصولی مورد اشاره در بالا، نتیجه‌گیری حکم نهائیتاً بر فرض ثابت نشده دیگری مبتنی است دایر بر اینکه رنگیران در آینده شرکت سودآوری

می‌شد. از آنجا که بازپرداخت هر مقدار از وامهای مورد بحث، کاملاً منوط به توانایی رنگیران به انجام چنین پرداختهایی در آینده بوده، لذا اعلام نظر در مورد وجود خسارت و میزان آن منوط است به نتیجه‌گیری راجع به توانایی رنگیران در کسب سود در عملیات آتی آن شرکت. بنابراین، برای صدور حکم بر هر مقدار خسارت می‌بایست ثابت می‌شد که رنگیران در وضعیتی که در زمان مداخله داشت، می‌توانست عواید کافی برای ادامه فعالیت و بازپرداخت دیون خود کسب کند، و این کار به نوبه خود مستلزم آنست که اوضاع رنگیران قبل از مداخله و نیز آتیه آن شرکت بر اساس ادله و مدارک موجود در آن زمان، مورد بررسی واقع شود. اکثریت بدون آنکه دلیل و منطقی نتیجه‌گیری خود را توضیح دهد و علیرغم ادله و مدارک بلامعارض و سوابق گذشته زیاندهی رنگیران، به آسانی فرض می‌کند که آن شرکت در آتیه بسیار سودآور می‌شده است.

۱۴ - تا آنجا که به واقعیات بلامعارض پرونده مربوط می‌شود، رنگیران در سراسر سال‌های فعالیت خود با زیان‌های بسیار هنگفت فعالیت می‌کرده است. برای تعیین وضعیت رنگیران پیش از مداخله و امکانات آتی احتمالی آن شرکت برای بازپرداخت دیون خود، نیازی به توسل به حدس و گمان نیست. صورتهای مالی رنگیران برای تمامی دوره فعالیت آن شرکت تا درست چند هفته پیش از مداخله مورد بحث، در دیوان موجود است. اولین اقدام به مداخله، بنا به اظهار ایستمن کدک، در نوامبر ۱۹۷۹ اتفاق افتاد و آخرین صورت مالی رنگیران که قبل از مداخله تنظیم شده به سال مالی ۱۹۷۹ آن شرکت مربوط می‌شود که به نهم آبان‌ماه ۱۳۵۸ [۳۱ اکتبر ۱۹۷۹] منتهی گردید. صورتهای مالی رنگیران سال به سال روند ثابتی از زیان نشان می‌دهد. رنگیران تقریباً "در هر شرایطی ضرر می‌داده است. در سال مالی ۱۹۷۷ که سهم رنگیران از بازار محصولات عکاسی ۶/۹ درصد بود رنگیران متحمل زیان عظیمی شد. در سال ۱۹۷۸ سهم رنگیران از بازار محصولات عکاسی حسب ادعا به ۳۰/۶ درصد افزایش یافت، لکن بازهم شرکت ضرر داد. خالص زیان در سال مالی ۱۹۷۸، ۵۱۸،۴۲۴/- دلار بود. در سال مالی ۱۹۷۹ [اول نوامبر

۱۹۷۸ الی ۳۱ اکتبر ۱۹۷۹] (دهم آبانماه ۱۳۵۷ الی نهم آبانماه ۱۳۵۸) سهم رنگیران از بازار به ۲۵/۷ درصد تنزل کرد، و شرکت به طور خالص ۵۵۶،۲۸۶/۴۵ دلار زیان دید. لذا وضعیت مالی رنگیران در پایان سال مالی ۱۹۷۹، یعنی درست چند هفته قبل از هرگونه مداخله، اینچنین بود. خالص زیان انباشته آن شرکت ظرف سه سال فعالیت به ۲،۳۲۶،۰۰۰/- دلار بالغ شد و سهم شرکت از بازار محصولات عکاسی به میزان زیادی کاهش یافت. همانطور که صورتهای مالی رنگیران به روشنی نشان می‌دهد، عملکرد رنگیران در طول سه سال یاد شده صرفاً یک بداقبالی و یا بیماری گذرا نبوده، بلکه آشکارا روندی ثابت بوده که به اغلب احتمال در آینده نیز ادامه می‌یافته است. برخلاف آنچه که اکثریت نتیجه‌گیری کرده، حتی یک نمونه مدرک نیز در پرونده نیست که نشان دهد روند مداوم زیاندهی عملیات رنگیران می‌توانسته دفعتاً به دوره‌ای بسیار سودآور تغییر یابد.

۱۵ - دیوان در تعیین وضع مالی و امکانات رنگیران در زمان مداخله، می‌بایستی صورتهای مالی رنگیران را که ادله بلامعارض مربوط به آن وقت راجع به وضعیت واقعی رنگیران در هنگام مداخله به شمار می‌آید، مبنای قضاوت خود قرار می‌داد، اما اکثریت کلیه این واقعیات را نادیده گرفته و به خیال پردازی پرداخته است. اکثریت در واقع نتیجه گرفته است که رنگیران در آینده به طور ناگهانی سودآور می‌شد و آنهم به نحوی که نه تنها می‌توانست جلوی زیان سالانه متجاوز از نیم میلیون دلار خود را بگیرد، بلکه حدود ۳/۵ میلیون دلار اصل و بهره بدهی خود را به ایستمن کداک نیز بازپرداخت نماید. با در نظر گرفتن وضعیت واقعی رنگیران در هنگام مداخله، اینگونه نتیجه‌گیری چیزی جز خیالبافی صرف نیست.

۱۶ - از آنجا که اکثریت دلایل یافته‌های خود را توضیح نمی‌دهد و هیچ دلیل و مدرکی در پرونده یا منابع اطلاعاتی دیگری را مشخص نمی‌سازد که اکثریت را به این باور سوق داده که وضع مالی رنگیران به طور ناگهانی و اساسی احیاء خواهد شد، لذا اظهارنظر راجع به موضع اکثریت تقریباً "غیرممکن است. دلایل اندکی نیز که در حکم

در تأیید یافته‌های آن ارائه شده آنقدر مبهم و بی‌اساس است که برای درک مبنای حقوقی و موضوعی تصمیم اکثریت کمکی به خواننده نمی‌کند. اکثریت در تلاشی که از سر استیصال جهت یافتن عذر و دلیل برای تصمیم خود به عمل آورده، دچار اغتشاش شده است. برای آنکه نشان دهیم اکثریت تا چه اندازه از این بابت گرفتار اغتشاش شده، جا دارد از خود حکم نقل گردد:

دیوان این واقعیت را از نظر دور نمی‌دارد که اگر رنگیران منحل نشده بود، ایستمن کداک به فرض که توفیقی هم حاصل می‌کرد، این پیش‌پرداختها را تنها بعد از گذشت مدت زمانی می‌توانست دریافت کند. بازپرداخت آنها منوط به آن بود که رنگیران طی مدتی مداوم سودآور باشد. (بند ۵۱)

به هیچوجه بر دیوان معلوم نیست که اگر رنگیران اجازه یافته بود تا به امروز به کسب و کار خود ادامه دهد، آن پیش‌پرداختها بعضاً "یا کلا" بازپرداخت می‌شد و یا اینکه به علت عدم تکافوی درآمد یا دلایل دیگر، در ترازنامه به عنوان دیون درازمدت باقی می‌ماند. (بند ۵۲)

۱۷ - من معتقدم که انصافاً منطقی‌ترین نتیجه‌گیری از نظرات یاد شده در بالا، این بود که ادعا رد شود. حکم باید مبتنی بر واقعیاتی باشد که دیوان بتواند به نحو رضایت بخشی آن را احراز نماید و یا بر واقعیاتی استوار باشد که بتوان وجود آن را پذیرفت، اما نمی‌توان حکم را بر رویدادها و اظهاراتی استوار ساخت که دیوان حسب اذعان نسبت بدانها شک و تردید دارد. متأسفانه محقق است که نتیجه‌گیری حکم دایر بر ورود خسارت و مقدار آن، حسب اذعان بر جهل و نادانی مبتنی است و نه بر آگاهی و اطلاع. به عبارت بسیار ساده، آنچه که حکم اعلام می‌کند اینست که چون دیوان مطمئن نیست واقعا "خسارتی وارد شده است یا خیر و چون راهی برای تعیین میزان خسارت نیست، لذا منطقی است که به بخشی از خسارت مورد ادعا حکم داده شود. اینگونه نحوه رسیدگی به اختلاف، بی‌شک حداقل میزان انصاف و منطق را که از یک دیوان بین‌المللی یا هر مرجع قضایی دیگر انتظار می‌رود، برآورده نمی‌کند.

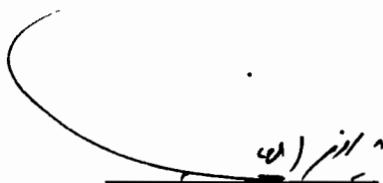
۱۸ - علاوه بر این، همانطور که حکم دادگاه عمومی تهران دلالت دارد، رنگیران از تاریخ ۲۲ مهرماه ۱۳۵۶ [۱۴ اکتبر ۱۹۷۷] ورشکسته بوده، به این دلیل که بدهیهای آن شرکت بر داراییهای آن فزونی داشته است. بنابراین، تصور اینکه در اثر مداخله مورد بحث چه خسارتی بر رنگیران یا سهامدار عمده آن، یعنی ایستمن کداک وارد می‌شد، غیرممکن است. همانطور که در بالا گفته شد، این ایستمن کداک بود که به عنوان صاحب اکثریت سهام رنگیران در تاریخ ۲۳ آبانماه ۱۳۶۰ [۱۴ نوامبر ۱۹۸۱] تصمیم به ثبت دادخواست ورشکستگی نزد دادگاه عمومی تهران گرفت. براساس آن درخواست، دادگاه رنگیران را از تاریخ نهم آبان ماه ۱۳۵۶ [۲۱ اکتبر ۱۹۷۷] ورشکسته اعلام کرد. متأسفانه، اکثریت رایی را که دادگاه تهران کاملاً در محدوده صلاحیت خود صادر کرده، نادیده گرفته است. حکم دادگاه تهران می‌بایست کاملاً معتبر تلقی می‌شد، به ویژه از آن جهت که ایستمن کداک به آن رضایت داد و علیه آن درخواست پژوهش نکرد. حکم دادگاه ایرانی راجع به وضعیت مالی رنگیران به عنوان یک شرکت ورشکسته، قاطع و نسبت به ایستمن کداک و همچنین دیوان الزام آور است. علاوه بر این، عقل سلیم حکم می‌کند که رای دادگاه ایران را دست کم به عنوان مدرک وضعیت رنگیران در هنگام مداخله، بپذیریم. شکی نیست که دادگاه ایران در وضعیت بهتر و واجد فرصت بهتری برای بررسی و تعیین وضع مالی رنگیران بوده است. به علاوه، حکم دادگاه بر نظر کارشناس راجع به موضوع ورشکستگی مبتنی بوده و راجع به نحوه رسیدگی و رایی دادگاه ایران هیچگونه ادعای بیعدالتی یا عدم انصاف طرح نشده است.

۱۹ - دلیل اکثریت برای نادیده گرفتن رای دادگاه ایران، نادرست و بی‌پایه و بی‌وجه است. اکثریت برای توجیه موضع خود، در بند ۵۵ حکم، به عنوان سابقه، به حکم شماره ۳-۱۳۲-۲۱ مورخ ۲۰ دیماه ۱۳۶۱ [دهم ژانویه ۱۹۸۳] در پرونده رکسنورد اینک و جمهوری اسلامی ایران (چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. 2) استناد می‌کند. لکن رکسنورد ربطی به پرونده حاضر ندارد. در پرونده رکسنورد مسأله به صلاحیت مربوط می‌شد و صلاحیت دیوان به این دلیل در آن پرونده مورد ایراد واقع

شده بود که مقارن با جریان رسیدگی مطروح در دیوان، موضوع تصفیه شرکتهای ذیمدخل در آن پرونده، در جریان بود. دیوان در رکسنورد نتیجه گرفت که وجود جریان تصفیه همزمان در ایران، از دیوان سلب صلاحیت نمی‌کند. اما در پرونده حاضر، حکم دادگاه ایران راجع به ماهیت پرونده و به عنوان مدرک وضعیت مالی رنگیران در زمان مداخله مورد استناد واقع شده است. حکم دادگاه عمومی تهران برای اثبات این مطلب مورد استناد واقع شده است که رنگیران ورشکسته، و ارزش آن در هنگام مداخله صفر بوده و مداخله ایران نمی‌توانسته به شرکتی که مدتها قبل از تاریخ مداخله ورشکسته بوده، صدمه‌ای وارد کرده باشد.

۲۰ - با توجه به مراتب پیشگفته، من با حکم صادره مخالفم و معتقدم که ادعای خواهان در کل باید مردود شناخته شود.

لاهم، به تاریخ ۱۷ تیرماه ۱۳۷۰ [هشتم ژوئیه ۱۹۹۱]



پرویز انصاری